

## نحوه نظارت بر بازیها

بعد از پی بردن به اهمیت و تأثیر بازی بر کودکان و اهدافی که در انواع بازیها نهفته است، حال این مسأله را باید بررسی کرد که آیا باید کودکان را به حال خود رها ساخت تا به هر بازی که خود مایلند روی آورند یا اینکه باید در بازیهای آنان دخالت کرد؟ پیش از هر چیز این نکته را باید خاطر نشان ساخت که ایجاد مزاحمت در بازیهای کودکان فرق مهمی با نظارت و احیاناً جهت دادن به بازیهای آنان دارد. کودکان بازی را بشدت دوست دارند، بنابراین هیچ گاه نباید به هنگام بازی مزاحم آنان شد، زیرا تمام حواس بچه ها متوجه بازی است و شاید در آن لحظه حساسترین زمان بازی را طی می کنند! این را بدانیم که احیاناً اگر بازی کودکان برهم زده شود، آثار نامطلوبی از لحاظ روحی عارض آنان خواهد شد. البته عدم دخالت بی موقع و نابجا به معنی رها سازی مطلق کودکان در جریان بازی نیست، بلکه هدایت کردن بازی نیز به توسط والدین و یا مربیان از اهمیت بسزائی برخوردار است و این امر تا حدودی مخصوصاً پس از آغاز بازی دشوار می باشد. تا زمانی که گفت و گو درباره موضوع بازی جریان دارد و کودکان هنوز نقشها را آغاز نکرده اند، مربی می تواند نظر مشورتی خود را بدهد، به شرطی که درایده بازی تغییری پیدا نشود.

به هر حال دخالت غیر محتاطانه مربی به هنگام اجرای نقش به توسط کودکان، ممکن است نقشی را که آنان در خیال خود پرورانده اند



# نقش والدین در بازیهای کودکان

و...بروز کند. بدیهی است که رهبری دقیق و هوشیارانه مربی به حل و فصل سریع چنین اختلافاتی کمک می‌کند.<sup>۳</sup>

بنابراین در می‌یابیم که به هنگام تشکیل بازی مسائل دشواری در مقابل والدین و مربیان قرار می‌گیرد؛ از جمله اینکه هرکدام از کودکان خواستار اجرای نقش مهمتر بازی هستند و مسلم است که همه نمی‌توانند نقش اصلی را در بازی به عهده بگیرند. در اینجا است که باید باظرافت خاصی از بروز اختلافات جلوگیری کرد و در ضمن همه کودکان را به نحوی در جریان بازی فعال ساخت.

در انتهای این مبحث ذکر این نکته ضروری است که اگر چه رهبری و هدایت بازی کودکان و نظارت بر آنان امر مهمی است، اما اغلب اوقات پدران و مادرانی هستند که در رهبری بازیها رفتار نادرستی دارند. این امر به سه صورت پیش می‌آید:



برهم زند. بنابراین هرگاه مربی با درک ایده کودکان و خواستههای آنان بخواهد چیز جالبی به بازی اضافه کند و یا جهت تازه‌ای به آن بدهد باید خودش نیز در بازی نقشی به عهده گیرد و مثل یکی از بازیکنان پیشنهاد خود را برای همه مطرح سازد.<sup>۲</sup>

واضح است که در این میان کار با کودکان جسور و خودخواه برای مربیان و والدین دشوار به نظر می‌رسد. گویا چون اینان گردانندگان و خط دهندگان به بازیها هستند، کمتر انعطاف‌پذیر می‌نمایند و حتی دیگر بازیکنان با میل و رغبت از آنها حرف شنوی دارند. اگرچه باید هنر سازماندهی این گونه بچه‌ها را قابل ستایش دانست، ولی در عین حال باید تواضع و فروتنی و احترام به نظریات دیگران را در آنان پرورش داد.

در لحظاتی هم ممکن است با نزاع و کشمکش در بازی بچه‌ها روبرو شویم. در هر حال در اوقاتی از بازی کودکان میان آنان نزاع و کشمکش رخ می‌دهد که حتی به قهر کردن آنها بایکدیگر کشیده می‌شود. در اینجا نیز مربی باید دقت و هوشیاری از خود نشان دهد. اصولاً درگیری در بازی منحصر به گروه سنی خاصی از کودکان نیست و ممکن است در گروه‌های سنی متفاوت نوع درگیریها و سرانجام آنها با هم متفاوت باشد. کما اینکه کودکان پنج-شش ساله در بازیهای جمعی پخته‌ترند. آنها می‌توانند فکرشان را برای دوستان خود توضیح دهند. باین وجود در یک گروه خوب و سازمان یافته نیز گاهی ضمن بازیهای جمعی اختلاف بروز می‌کند. این اختلاف ممکن است برسر موضوع بازی، تقسیم نقشها، دست بردن در موضوع بازی و افزودن نقشهایی جدید به آن



خوب انجام دهند. در چنین کودکانی عدم اعتماد نسبت به نیروی خود و ترس از ناکامی رشد می یابد.

دربارهٔ دستهٔ سوم از والدین که همه چیز را در اسباب بازیها خلاصه می کنند باید گفت که فرزندانشان در بهترین شرایط به صورت جمع کنندگان اسباب بازی در می آیند و بدون ذوق و شوق بازی خواهند کرد. در ضمن هر روز چیز تازه ای طلب می کنند و خواستار اسباب بازی جدیدتری خواهند بود.

### شرکت والدین در بازیها

پیش از آغاز بازی، والدین باید مقدمات شروع یک بازی جهت دار ولذت بخش را برای کودک فراهم کنند. در این باب باید مواردی مانند آماده سازی محیط بازی، پیشگیری از خطرات احتمالی در جریان بازی و مهمتر از همه در نظر داشتن اصول سازماندهی و مترتب شدن نتایجی تربیتی بر بازی را مدنظر قرار

بعضی از پدران و مادران فکر می کنند که فرزندانشان می دانند کدام بازی بهتر است و علاقهای به بازی آنها ندارند و به عبارتی آنان را برای بازی به حال خود رها کرده اند.

عده ای دیگر از والدین توجه زیاد و بیش از حدی به بازیهای کودکان داشته، همیشه در بازیهای آنان دخالت می کنند. آنها طرز بازی را به بچه ها نشان می دهند و حتی در این راه به افراط نیز کشیده می شوند.

و دستهٔ سوم از والدین خیال می کنند که تعداد اسباب بازی از همه چیز مهمتر است.<sup>۲</sup>

واضح و روشن است که هیچ کدام از این سه روش مطلوب نیست، زیرا در صورت رها سازی کودکان برای بازی، آنها با شوق و رغبتی که دارند تمام اوقات خود را صرف بازی خواهند کرد و احیاناً نزاع و درگیری و انحراف از معیارهای تربیتی در بازیهایشان رخ خواهد داد. همچنین اگر توجه زیادی به بازیهای کودکان صورت پذیرد، خیلی زود به این فکر عادت می کنند که تنها بزرگترها می توانند همه چیز را

که در صورت باز داشتن کودک از مواجه شدن با گروه همسالان و بازی با آنها، نتایج زیانباری عاید کودک خواهد شد.

مطلب اساسی دیگری که والدین باید در نظر داشته باشند این است که باید مراقب باشند بازی به یگانه مشغله فکری کودک بدل نگردد و او را از هدفهای اجتماعی جدا نسازد. همچنین سعی شود در جریان بازی عاداتهای مفید جسمی و روحی در کودک ایجاد گردد.<sup>۶</sup>

والدین باید در نظر داشته باشند که کودک آنها به چه بازیهایی علاقه مند است، بازی را چگونه تلقی می کند و چه رفتارهایی او را بیشتر به نشاط می آورد. مسلم است با این شناخت و آگاهی علاوه بر شوق و رغبت کودک، نتایج مهمتری از بازی حاصل می شود.

همچنین ضمن نظارت بر بازیهای کودکان به نحوی که اشاره گردید، باید سعی شود که آنها در هنگام بازی زیاد با ناکامی روبرو نشوند، بلکه در مواقعی نیز طعم موفقیت را بچشند.

از دیگر وظایف والدین و مربیان کودکان به

دهند.

در این حال یا خود والدین به عنوان یک همبازی محسوب می شوند، یا اینکه دورا دور و بدور از تحمیل بازی، بچه هارا زیر نظر خواهند داشت.

هرگاه مربی یا یکی از والدین بخواهد در بازی شرکت کند، عملی سودمند است؛ زیرا می تواند فعالیتهای کودک را بهتر جهت دهد، پرخاشگری و ستیزه جویی های او را بهتر تعدیل کند و یا اینکه با جهت دادن فعالیتهای طفل می تواند زمینه های انحرافی را در کودک به هنگام بازی اصلاح کرده، کج رویهای او را از میان بردارد.<sup>۵</sup>

اما باید دانست که والدین به هرمیزانی که مسلط باشند و خود را همسطح کودکان سازند، باز هم توانایی این را نخواهند داشت که به عنوان یک گروه همسال و همبازی برای کودک قرار گیرند؛ زیرا مسائلی از قبیل قیافه، میزان سن و... یک فرد بزرگسال برای کودک جالب نیست و او را اقتناع نمی کند. علاوه بر این روشن است



تقسیم نکرده، بلکه زمینه را برای فعال شدن کلیه بازیکنان فراهم آورند.

- درانتخاب بازیچه برای کودکان، با توجه به جنسیت و سن آنها دقت شود و نیز طریقه صحیح استفاده و نگه داری از آن بیان کنند.  
- محیط بازی را به گونه ای انتخاب کنند که دوردور بتوانند مراقب کودکان باشند.  
- ...

## انتخاب اسباب بازیها باتوجه به کاربرد آنها

الف - توجه به تفاوت‌های سنی کودکان  
میزان علاقه و توجه کودکان به بازیهای مختلف یکسان نیست و طبعاً با بالا رفتن سن، فعالیت‌های ادراکی از نظر کمی و کیفی تحول می‌یابند. مثلاً کودکان ۵ - ۶ ساله به مرجعها و جهت‌ها (مختصات ادراکی) توجهی ندارند، اما کودکان ۹ - ۱۰ ساله آنها را در نظر می‌گیرند، شکلها را بهتر و ارسایی کرده، قدرت پیش بینی پیدامی‌کنند.<sup>۸</sup>

باتوجه به تفاوت‌های سنی کودکان و گرایش آنها به بازیهای مختلف در هر سن، عنوان شده که بازیها دارای مراحل رشد هستند و هر مرحله مستلزم روش خاصی برای رهبری است.  
- مرحله اول زمان بازی در اطاق، زمان استفاده از اسباب بازی است. کودک از سن پنج - شش سالگی کم کم وارد مرحله دوم می‌شود. در این سن روحیه متجاوزانه کودک بسیار چشمگیر است و او به مفهومی یک "مالک" است.

هنگام بازی این است که درانتخاب همبازیها، کودک را مدد فکری دهند و بطور غیر مستقیم در این امر دخالت کنند. در عین حال برای شناخت دوستان کودک و نیز کنترل رفتار ضروری است که گاهی دوستان فرزند خود را به خانه دعوت کنند و با آنها تماس بگیرند. این کار گرچه وقت گیر و از جهتی دشوار است، ولی آثار سودمند آن بیش از این اتلاف وقت است.<sup>۷</sup>  
در این قسمت به اهم وظایف والدین و دیگر کسانی که به نحوی در ارتباط با بازیهای کودکان قرار می‌گیرند، به صورتی مختصر اشاره می‌شود:

- نظارت بر بازیهای کودکان برای هدایت و جهت دادن و جلوگیری از کج رویها امری ضروری است.

- نباید به هنگام شروع بازی با مداخله بیجا و یا قطع بازی، اسباب ناراحتی بچه‌ها را فراهم آورد.

- در مواقعی که کار بچه‌ها در بازی به نزاع و کشمکش می‌انجامد، دخالتی هوشیارانه و دقیق، به گونه ای که نظم بازی برهم نخورد، لازم است.

- بازی در گروه همسالان برای کودک از اهمیت شایانی برخوردار است.

- والدین و مربیان باید محیطی آسوده و بدون خطر را برای بازی کودکان آماده سازند.

- روحیه کودکان خود را شناخته، زمینه را برای اجرای بازیهای مورد علاقه شان فراهم کنند.

- از اختصاص یافتن تمام وقت کودک به بازی کردن جلوگیری کنند، ولی مانع بازی کردن آنها در اوقات معین نشوند.

- کودکان را به گروههای فعال و غیر فعال



به دو گروه فردی و اجتماعی یا گروهی تقسیم کرده‌اند.<sup>۱۱</sup>

همچنین در یک تقسیم بندی دیگر بازیها را به سه گروه اصلی: بازیهای تمرینی، بازیهای نمادی و بازیهای باقاعده (مانند تپله بازی و...) تقسیم کرده اند و گفته شده که بازی تمرینی شکل ابتدایی بازی است و بازیهای نمادی نقطه اوج بازیهای کودکان است که از ۲ - ۳ سالگی آغاز می شود و در ۵ - ۶ سالگی به اوج خود می رسد. البته شکل چهارمی از بازیها رانیز نام برده اند و آن بازی سازنده است که بر پایه بازیهای نمادی بنا می شود.<sup>۱۱</sup>

نهایتاً باید دانست که توجه به سن و روحیه کودکان و فعالیتهای ادراکی آنان در انتخاب بازیچه، اهمیت بسیار دارد. به عنوان مثال برای کودکانی که زود رنج هستند و در جمع احساس ناراحتی می کنند، بازیهای انفرادی سودمند است؛ و روشن است که بازیهای انفرادی مربی

مرحله دوم تا سنین یازده - دوازده سالگی ادامه می یابد و بخشی از اوقات مدرسه را در برمی گیرد. رهبری مرحله دوم بازی کودکان دشوارتر است، زیرا در این مرحله کودکان دیگر در جلو چشم پدر و مادر بازی نمی کنند، بلکه وارد صحنه وسیعتر اجتماعی می شوند. در این مرحله کودک به عضویت اجتماع در می آید، اما اجتماع هنوز کودکانه است، نه انضباط دارد و نه کنترل اجتماعی.

در مرحله سوم کودک به عضویت جمع در می آید. در ضمن این جمع نه تنها جمع بازی است، بلکه جمع کار و تحصیل هم هست. از این رو در تمام این سه مرحله تکامل بازی، نفوذ پدر و مادر اهمیت شایانی دارد.<sup>۹</sup>

لازم به توضیح است که در تقسیم بندی بازیها صاحب نظرانی چون (پرز - PERZ) بازیها را به سه گروه بازیهای منظم، بازیهای نامنظم و بازیهای مهارتی و (اشترن - STERN) بازیها را



را در شناختن خصوصیات کودک یاری می دهد، گرچه باید زمینه را به گونه ای فراهم ساخت که کودکان را به بازیهای جمعی جلب کرد؛ چون اعتقاد بر این است که پیشرفتهای اجتماعی و آشنایی با مقررات جوامع و گروهها در سایه تماسهای با جمع و گروه همسالان حاصل خواهد شد. اما هرگز نباید اصرار کرد که یک بازی انفرادی شاد را به یک بازی بی روح اجتماعی مبدل ساخت، چون برای کودکان در آینده فرصتهای زیادی پیش خواهد آمد تا در اجتماع و گروه همسالان خود شرکت نمایند. بنابراین، والدین و مربیان کودکان لازم است با خصوصیات روحی و سنی و میزان علاقه آنها به بازیهای مختلف آشنا باشند و آنگاه با یک بینش مطلوب زمینه گرایش کودکان خود را به بازی و اسباب بازی مورد نظر فراهم آورند.

### ب- کاربرد اسباب بازی

همان گونه که پیشتر نیز اشاره شد، بازی یکی از بهترین راههای آموزش است. بنابراین برای رسیدن به این مهم باید اسباب بازی را متناسب با سن رشد، رغبت و جنس کودک انتخاب کرد. این وسایل باید شامل اشیایی باشد که کودک را در آموختن هماهنگی چشم و دست، تناسب اشکال و رنگها، جور کردن اشکال و قالبها، بافت و وزن و دستکاری کردن و در جست و جوی جزئیات برآمدن (برای مثال در بازیهای تصویری) یاری رساند.<sup>۱۲</sup>

به عنوان مثال اسباب بازیهایی برای کنترل و تقویت عضلات وجود دارد، مانند: سه چرخه، واگن، عروسکهای بزرگ و... اسباب بازیهایی هم برای تقویت فکر و همکاری هستند مانند: مکعبها، توپ دراندازه-

های مختلف و نیز وسایلی باعث تقویت روحیه و قدرت تصور کودک می شوند مانند: کتابهای عکسدار، تلفن، لوازم خانه، دیگ، قابلمه، مدلهای نقاشی، کتاب داستانهای مصور و...<sup>۱۳</sup> در این زمینه می توان به اسباب بازیهای آماده مکانیکی یا ساده مانند: عروسکها، اتومبیلها و... نیز اشاره کرد. گروه دیگر اسباب-بازیهای نیمه آماده است که کودک باید بعضی دستکارهای تکمیلی در آن به عمل آورد، مانند: تصاویر گوناگون همراه با سؤالات و کنارهم گذاشتن تصاویر بریده شده و مکعبها و... دسته دیگر از اسباب بازیها، اسباب بازی - مصالح می باشند مانند: گل، شن، قطعات مقوا، تلو،

چوب و کاغذ و...

هرکدام از سه دسته اسباب بازی فوق محاسنی دارند، از جمله اینکه اسباب بازی آماده کودک را بایدها و اشیای غامض آشنا می سازد. مثلاً لوکوموتیو در دست کودک، تصورش را در مسیر حمل و نقل تحریک می کند و قوه تخیل او را به فعالیت وسیعتری وامی دارد. اسباب بازیهای نیمه آماده نیز حسنشان در این است که مسأله ای را در مقابل کودک مطرح می کنند که باید برای حل آن تلاش معینی را به خرج دهند و یک نوع انضباط فکری را برای کودک به دنبال دارد. البته عیب این قبیل اسباب بازیها در یکتااختی و تکرار است که برای کودک ممکن است کسالت آور باشد.

نوع سوم از اسباب بازیها که از مواد گوناگونند، ارزاترین و مناسبترین عناصر بازی هستند. در بازی با اسباب بازی - مصالح فضای مناسبی برای تخیل کودک به وجود می آید، آن هم نه تخیلی ساده، بلکه تخیلی بزرگ و خلاق.

حال ممکن است این سؤال پیش آید که کدام نوع اسباب بازی از همه بهتر است؟ در این مورد عنوان شده که بهترین راه ترکیب این سه نوع اسباب بازی است، و البته تعدادش نباید بیشتر از اندازه باشد.<sup>۱۴</sup>

به هر حال اسباب بازی هرچه که باشد عوامل مختلفی مانند هدایت کودک و داشتن محتوای جالب را باید در نظر گرفت. به عنوان مثال بعضی از اسباب بازیها ممکن است به درد کودک نخورد و بازی با آنها یک نوع تلف کردن باشد. مانند اینکه شما یک موش کوچکی برای کودک بخرید، تمام روز آن را کوک کنید و رها سازید و کودک در تمام روز به این موش نگاه کند و خوشحال شود. مسلم است که این بازی هیچ محتوای جالبی ندارد. در این بازی کودک فعالیتی نداشته، حرکتش در این است که به این صحنه ها هاج و واج نگاه کند. بنابراین کودک با این قبیل بازیها فرد غیر فعالی خواهد شد، چون فاقد ابتکار است و عادت ندارد که درکار، چیز تازه ای خلق کند و بر مشکلات فائق





خود کودکان برای پیاده کردن ایده هایشان  
بهترین بازیچه هاست .

به همین جهت است که در کودکستان،  
مصالح ساختمانی، مورد علاقه گروه کودکان  
بزرگتر است و آنها با این مصالح خانه، کشتی،  
هوایما و ماشینهای گوناگون می سازند. ۱۶

سرانجام براساس آنچه که در این نوشتار به  
صورتی مختصر ارائه شد، باید به این مسأله  
توجه داشت که :

کودک هر رفتاری در بازی دارد، وقتی که  
بزرگ می شود از بسیاری جهات همان رفتار را  
خواهد داشت. بنابراین تربیت فرد آینده قبل از  
هر چیز در بازی شکل می گیرد.

برخلاف این گونه بازیهای بی روح، بازیهای  
جالبتری برای کودکان وجود دارد، مانند اسباب  
بازیهایی که قطعات آنها از هم جدا می شوند.  
در این قبیل بازیها لذت جدا کردن، از لذت  
کنار هم گذاشتن آنها بیشتر است .

کودک باید سازندگی را در بازی یاد بگیرد و  
چه بهتر است اسباب بازیهایی داشته باشد که  
بتواند آنها را کنار هم بگذارد و در سازندگی  
حتی از دیگران نیز کمک بگیرد.

در بازیهای ابتکاری بیش از همه آدمکها،  
شکلهای حیوانات، بازیچه های ماشینی  
و اسباب خانه به کار می آیند. به اعتقاد  
صاحب نظران در این زمینه بازیچه های ساخت

### بی نویسیها:

۱- گروهی از پزشکان، مادر نمونه پرورش کودک، ترجمه کمپانی، چاپ شفق، ۱۳۴۸،  
صفحه ۲۲۹

۲- مجله پیوند، شماره ۱۲۸، مقاله نقش بازی در تعلیم و تربیت، ترجمه مهری باباجان  
سال ۱۳۶۹، صفحه ۴۵

۳- همان منبع، صفحه ۴۷

۴- ماکارنکو، آ.س، گفتارهایی در باره تربیت فرزندان، ترجمه باقرزاده، انتشارات  
چاپخش، چاپ سوم، صفحه ۷۷

۵- قائمی، علی، نقش مادر در تربیت، انتشارات امیری، ۱۳۶۸، صفحه ۱۹۴

۶- ماکارنکو، آ.س، انسان مریبی و نویسنده، ترجمه کیوان، انتشارات شباهنگ،  
۱۳۶۱، صفحه ۹۵

۷- قائمی، علی، نقش مادر در تربیت، انتشارات امیری، ۱۳۶۸، صفحه ۱۹۳

۸- پیازه، ژان، اینهلدر، باربل، روان شناسی کودک، ترجمه زینت توفیق، نشر نی، چاپ  
دوم سال ۱۳۶۸، صفحه ۸۴-۸۶

۹- ماکارنکو، آ.س، گفتارهایی درباره تربیت فرزندان، ترجمه باقرزاده، انتشارات  
چاپخش، چاپ سوم، صفحه ۷۷

در قرآن کریم آمده است که از نادانان رویگردان، و در تجلیل مقام عالمان فرموده است:  
 ...هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (سوره زمر، آیه ۹).

آیا برابرند آنان که می دانند با آنها که نمی دانند؟

در اصول کافی جلد اول در مورد فضل علما روایات متعددی نقل شده است، از جمله امام صادق فرمودند: عالمان وارث انبیاء هستند!... پس بنگرید که این علم (علم انبیاء) را از چه کسی می گیرید. در بیان دیگری فرموده اند که: علما به منزله چراغند، و یا علما امانت دارند. امام باقر فرموده اند: عالمی که از علمش بهره مند شود از هفتاد هزار

### فضیلت علما

در قرآن کریم حدود ده مرتبه توصیف "عالم الغیب والشهاده" در مورد حق تعالی آمده است. علاوه بر آن سه مرتبه هم "عالم الغیب" و یا "عالم الغیب السموات" به کار رفته است.

حضرت نوح و حضرت یعقوب هر کدام در زمینه هدایتی که می کرده اند "أَعْلَمَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ" فرموده اند؛ و معلوم است که داشتن علم شأن و منزلتی است که خداوند و انبیاء واجد آن هستند.

محمد حسن آموزگار

تلفیق علم و عمل



بخش دوم

...إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ  
... (سوره بقره، آیه ۲۴۸)

از لحاظ ارزش انسانیت و کرامت نفس، وقتی انسانها را با ملاحظه تعبیرات اسلامی طبقه بندی کنیم، بعضی مادون حیوانات وعده ای برابر حیوانات (... وَأُولَئِكَ تَأْتَانَا بِمَلْئِكُمْ هُمْ أَصَلَّ ) واقع می شوند. از بقیه انسانها عده ای مسلم نامیده می شوند که تسلیم به قبول خداوند هستند، سپس جمع برجسته تری از مسلمانان به عنوان مؤمن نام می گیرند که به لحاظ قابلیت مورد خطاب و احیاناً تجلیل خداوند واقع می شوند و از جمع مؤمنان عده ای خاشع هستند (فَذَاقُوا النَّوْمُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَائِعُونَ، سوره مؤمنون، آیه اول). پس مؤمن خاشع مقامی برارنده تر از افراد طبقات ماقبل پیدا می کند. حال، خداوند در آیه ذیل می فرماید: عالمانند که به مقام خشیت می رسند و مراد از عالمان هم، عالمان بالله هستند که خداوند سبحان رابه اسماء، صفات و افعالش می شناسند.

... إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ. (سوره فاطر، آیه

(۲۷)

فقط دانایان از میان بندگان، از خداوند بیم دارند. منظور از دانایی مذکور در آیه فوق که موجب خشیت عالمان می شود به شرح المیزان چنین است: ۵

شناسایی تامی که دلهاشان به وسیله آن آرامش می یابد، و لکه های شک و قلق از نفوسشان زایل گشته، آثار زوال آن در اعمالشان هویدا می شود، و فعلشان مصدق قولشان می گردد. و مراد از خشیت در چنین زمینه ای، همان خشیت حقیقی است که به دنبال آن خشوع باطنی و خضوع در ظاهر پیدا می شود.

امام صادق (ع) فرمودند: <sup>۱</sup> النَّاسُ ثَلَاثَةٌ، عَالِمٌ

عابد بهتر است. امام صادق فرمودند: شخصی که زیاد روایت بداند و وسیله تثبیت شیعیان ما باشد، از هزار عابد بهتر است. و فرمودند که: صبح کن، که عالم باشی، یا متعلم، یا دوستدار علم<sup>۲</sup> و چهارمی مباش، که بادشمن داشتن آنها هلاک می شوی. امام باقر فرمودند: هرکس بایی از هدایت تعلیم دهد، مانند ثواب کسانی که به آن عمل می کنند داراست.<sup>۳</sup>

از مؤمنان در قرآن کریم تجلیل و توصیف شده است، امام مؤمنان عالم به مراتب درجات عالیتری دارند.

...يُؤْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ  
دَرَجَاتٍ، وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (سوره مجادله، آیه ۱۱).

خداوند ترفیع داده است مؤمنان را درجه ای، و به کسانی که علم داده شده است، درجاتی، و خداوند به آنچه می کنید داناست.

یکی از ابعاد فضیلت عالم، اعم از عالم طبیعی یا عالم الهی آن است که علم خود را انتشار بدهد و در اختیار دیگران بگذارد.<sup>۴</sup> در اقوال الائمه جلد ۴، صفحه ۱۲۴ - از پیامبر اکرم نقل شده است:

تَنَاصَرُوا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ وَلَا تَكْتُمُوا بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَإِنَّ الْخِيَانَةَ  
فِي الْعِلْمِ، أَشَدُّ مِنَ الْخِيَانَةِ فِي الْمَالِ.

یاری کنید یکدیگر را در طلب علم، و کسی علم را بر دیگری مخفی نکند، پس همانا خیانت در علم شدیدتر است از خیانت در مال.

به نقل از قرآن کریم: بنی اسرائیل بعد از حضرت موسی از پیامبران خواستند که پادشاهی برای آنان معلوم کند. پیامبر به آنان گفت: خداوند طالوت را به عنوان مَلِک برای شما برگزیده است. بنی اسرائیل اظهار داشتند چطور او پادشاه ما باشد در حالی که استعداد مالی ندارد و ما از او برتریم؟ پیامبر پاسخ داد که: خداوند طالوت را برگزید زیرا توانایی جسمانی و علمی دارد.

مردم سه دسته اند، عالم، دانشجو و کف روی آب یا خاشاک. و در آموزش علم فرمودند:<sup>۷</sup>  
 مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَعَمِلَ بِهِ وَعَلَّمَ لِلَّهِ ذِعَىٰ فِی مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا.

هرکس که علم بیاموزد و به آن عمل کند، و برای خداوند آن را آموزش دهد، در ملکوت آسمانها بزرگ خوانده می شود.

از رسول اکرم نقل شده است که:<sup>۸</sup>

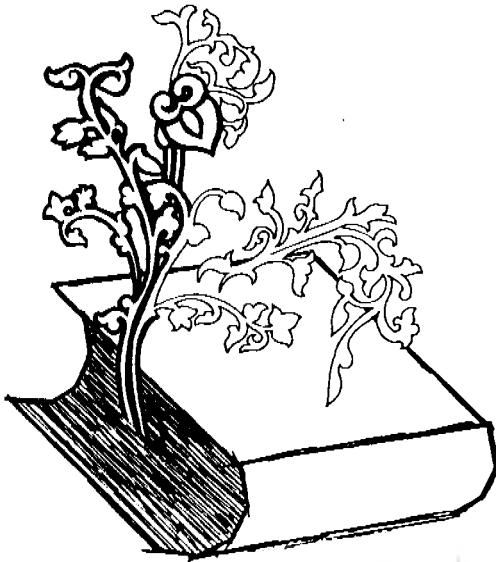
قَالَتِ الْحَوَارِيُّونَ لِعِيسَىٰ يَارُوحَ اللَّهِ مَنْ نُجَالِشُ، قَالَ مَنْ يُدْرِكُكُمْ اللَّهُ زُيُوتُهُ وَيَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنَاطِقَهُ وَيُرَقِّبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلَهُ.

حواریون به عیسی (ع) گفتند: یا روح الله با چه کسی همشین شویم؟ ایشان فرمودند: با کسی که دیدنش شما را به یاد خداوند آورد، گفتارش به علم شما بیفزاید و کردارش شما را به آخرت تشویق کند.

خداوند به حضرت عیسی فرمود: بزرگ بدار علما را<sup>۹</sup> و برتری آنان را بشناس، زیرا من علما را بر همه مخلوقاتم بجز انبیاء و رسولان تفضیل دادم؛ برتری به اندازه خورشید بر ستاره و یامثل آخرت بردنیا، و یا نظیر برتری خودم بر هر چیز.

### علم هدف است یا وسیله

هرکدام از علوم فیزیکی وسیله است برای انجام کار و رفع یکی از نیازهای انسان؛ از جمله ریاضیات وسیله است برای محاسبات و سنجشهای کمتی، پزشکی وسیله است برای درمان، مهندسی وسیله است برای ساختن وسایل، تا برسد به مقدمات ادبی و منطق که آنها نیز وسیله به شمار می آیند.<sup>۱۰</sup> پس، هر علمی از آن نظر مفید و لازم است که مقدمه و وسیله انجام یک عمل و یک



وظیفه می باشد. و اما معارف الهی نظیر توحید، معادشناسی، علم اخلاق و فقه و حدیث، هدف محسوب می شوند.

ققها و جوب کسب علوم را تهیوئی اصطلاح کرده اند، یعنی از آن جهت واجب هستند که آمادگی و تهیو برای انجام کاری که موافق دستور اسلام است به وجود می آورند. مثلاً کسی که قرار باشد به دفاع از مرزهای مسلمین بپردازد، بایستی فنون نظامی و سلاح مورد استفاده را بشناسد، و طرز به کارگیری آنها را بداند و این مقدمه کار دفاع است. هر علم و صنعت و فن دیگری که برای ساختن سلاح، و وسائل نقلیه و تدارک مواد خوراکی و پوشاکی لازم باشند، مقدمه کار دفاع هستند، و دفاع نهایتاً برای حفظ عقاید الهی و توحیدی است که هدف عالی و نهایی محسوب می شود.

در عصر حاضر که جهان بر محور علم می چرخد، اگر قید یا صفت تهیوئی به علوم داده

این مسؤولیت را احساس می کنند. در دانشگاه بدل علم بدون دریافت بهای مادی بندرت دیده می شود. عده ای هستند که در هر کسوتی که باشند جز برای پول و دریافت مزد کار نمی کنند. در مقابل آحاد افرادی هم پیدا می شوند که در خانه ویاب علمشان به روی مراجعان گشوده است.

۵- المیزان، جلد ۳۵، صفحه ۶۹

۶ و ۷- اصول کافی، جلد اول

۸- کافی، جلد ۱، صفحات ۷-۵

۹- محجة البیضاء، جلد ۱، صفحه ۳۴

۱۰- بیست گفتار شهید مطهری، صفحه ۲۲۳

می شود چیزی از اهمیت آنها نمی گاهد، بلکه برای حفاظت از اسلام بایستی از همین علوم بهره گرفت و چون اکمل ادیان، اسلام است، مسلمانان نیز بایستی خود را به قلّه علوم در هر زمان برسانند.

### پاورقیها:

۱- شرح اصول کافی کمره ای، صفحه ۶۰

۲ و ۳- همان منبع، صفحات ۶۴ و ۶۵

۴- علمای مدرس حوزه های علمیه خوشبختانه

### بقیه از صفحه ۲۳

۱۰- منصور، محمود، روان شناسی ژنتیک ...، نشر ترمه، چاپ پنجم، صفحه ۱۷۶

۱۱- پیاز، ژان، اینهلدر، باربل، روان شناسی کودک، ترجمه زینت توفیق، نشر نی، چاپ دوم، سال ۱۳۶۸، صفحه ۶۱

۱۲- اپلینگورث، رونالدس، کودک و مدرسه، ترجمه دکتر شکوه نوابی نژاد، انتشارات رشد، چاپ اول، ۱۳۶۸، صفحه ۱۲۸

۱۳- گروهی از پزشکان، مادر نمونه پرورش کودک، ترجمه کمپانی، چاپ شفق، ۱۳۴۸، صفحه ۲۳۰

۱۴- ماکارنکو، آ.س، گفتارهایی در باره تربیت فرزندان، ترجمه باقرزاده، انتشارات چاپخش، چاپ سوم، صفحه ۸۷-۸۹

۱۵- همان منبع، صفحه ۸۰

۱۶- مجله پیوند، شماره ۱۲۸، مقلله نقش بازی در تعلیم و تربیت، ترجمه مهری باباجان سال ۱۳۶۹، صفحه ۴۸-۴۹